

نوشته: غلامرضا نمائی . *پیشگامان* . مهرماه و پیاپی ۱۳۸۵

مآخذ فقه شیعه

مآخذ جمع مآخذ و مآخذ یعنی سرچشمه و مخزن و پایه و ریشه مطلبی . فقه در فرهنگ عربی به معنی فهم است و در قرآن و حدیث هم به همین معنی به کار رفته است ، و در اصطلاح علم به احکام شرعی است با اقتباس و استنباط از ادله تفصیلیه و در نظر محقق طوسی مبادی اعمال و محاسن افعال بشری که تراویده اندیشه بزرگمردی باشد مؤید به تأیید الهی چون پیامبر و یا امام ، فقه گویند .

شیعه بر آن فرقه از مسلمین گفته میشود که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیروی کردن علی بن ابیطالب علیه السلام را لازم میدانند و زمامداران پیش از آنحضرت را به عنوان رهبر دینی نپذیرند شیعه فرقه های گوناگون اند ولی مقصود ما مآخذ فقه شیعه دوازده امامی است .

پس مآخذ فقه شیعه آنچه را که این طایفه در مقام استنباط احکام شرعی بدان استناد کنند و بین خود و خدا حجت دانند

اینها چیست ؟ *شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
بیش از پاسخ به این پرسش مطالبی به عنوان پیش گفتار ذکر میشود :

الف : مآخذ و منشأ فقه برای همه مسلمین تنها قرآن کریم و گفته ها و رفتار و امضای پیغمبر (ص) است نسبت به موردی از مسائل فقهی . تحقیق و بررسی در اطراف همین دو موضوع و اختلاف در طرز تفکر مسلمین و اندیشه های گوناگون آنان که ناشی است از تمایل به زمامداران بعد از پیغمبر (ص) تعیین ارجح و ارزش صحابه که در نتیجه میزان ارزش انسان را در کیفیت نقل گفتار پیغمبر و تفسیر قرآن کریم ، برای پیروان خودشان روشن میسازد و همین ها اسباب اختلاف بین مسلمین شده است و مبادی فقهی آنان را به رشته های جعفری ، زیدیه ، مالکی ، حنفی ، شافعی ، و حنبلی تقسیم نموده .

ب : اجتهاد و استنباط از همان هنر اول و زمان خود پیغمبر (ص) در میان صحابه و بعد از آن حضرت نیز در میان آنان معمول و متداول بوده . نهایت در زمان پیغمبر (ص) عنوان فقیه بر کسی

اطلاق نمی‌شده بلکه همان قاریان قرآن و عالمان به آن بوده‌اند که بعداً در شمار فقیهان درآمدند و استنباط در این زمان و زمان صحابه دشوار نبوده‌است زیرا کسانی از اهل فتوی به شمار می‌آمدند که به سعادت ادراک پیغمبر(ص) فائز شده بودند و در اثر آن از تربیت‌های مستقیم آنحضرت استعدادی کامل و قوی در طریق استنباط احکام برای آنان پیدا شده بود. و نه تنها استنباط و تفقه آسانتر بود درک حقیقت و واقع هم صحیح‌تر و آسانتر بوده و بواسطه درک حقیقت و واقع فتوی‌دهندگان بر مدارک و حدود و مناسبات آن به طور کامل اطلاع داشته‌اند و شکوک و تردیدهای دوران بعد در میان نبوده و نیازی به علوم رجال و درایه و اصول فقه نداشته‌اند و مسائل مورد ابتلای فتوی‌دهندگان محدود و انگشت‌شمار بوده و برای نخستین بار مورد نظر واقع می‌شده. آراء متعدد و مختلفی در آن سابقه نداشته و فقه بصورت فن مخصوصی درنیامده بوده‌است.

ج: و چون ایندسته از صحابه از میان رفتند از آنها آرائی باقی ماند، و نظرات مختلفی در طول مدت زمامداری به یادگار گذاشتند. خلیفه دوم یا خلیفه اول در مواردی به اختلاف عمل کردند و عمر عمل کردن به رأی و اجتهاد شخصی را به تناسب موقعیت اجتماعی روا می‌دانست و علی علیه السلام از این عمل شدیداً منع می‌فرمود.

د: اندک‌اندک زمامداران اموی و عباسی جای خلفای راشدین را گرفتند و بر مسند خلافت تکیه زدند که بعضی از آنها از زیور علم عاقل بودند. مردم مسلمانی که خود را پای‌بند به تبعیت از پیغمبر می‌دانستند در مورد ابتلائات علمی و دینی خود به‌راویان و ناقلان حدیث مراجعه می‌کردند.

ه: در میان روای حدیث هم برای تقرب به خلفا مثل حدیث فروشی رایج شد و کسانی به این کار تن در دادند. از طرفی مردم دیندار با مشاهده این وضع بر دین خود بی‌مناک(۲) شدند و در صدد جست‌وجو برآمدند که ناقلان و راویانی برگزینند که علاوه بر مقام علمی به سایر ملکات عالی اخلاقی و فضایل نفسانی آراسته باشند و هر فرقه‌ای پیشوایی برای اخذ مسائل دینی از قبیل زهد و تقوی و عدالت بلکه عصمت برای خود انتخاب کرد.

البته شیعه از همان آغاز کار راه خود را تشخیص داده بود و به سراغ آل محمد صلوات الله علیهم رفت همانها که عدل قرآن و ثقل اصغرند و تا روز قیامت از قرآن جدا نشوند، سفینه نوحند که متمسک به آنها دستگار و متخلف از آنان زیانکار است و علاوه بر فضایل و کمالات نفسانی دارای مقام عصمت نیز بوده‌اند.

۱- کتاب ادوار فقه تالیف آقای محمود شهابی.

۲- همان کتاب.

اینک اصل مطلب :

مآخذ شیعه کتاب و سنت و اجماع و عقل است .

کتاب : یعنی قرآن مجید ، همان بزرگ کتابی که آیات محکم او به تفصیل از پیشگاه حکیم و خبیری نازل شده . همان کتابی که هیچ باطل در او راه پیدا نکرده و هیچ تحریف و تبدیلی در او راه نیافته است . و از زمان نزول تا کنون تلاوت کنندگانش رو به فزونی و ازدیادند . پس امکان تحریف و تبدیل و زیاد و نقصان در او قابل تصور نیست ، ظاهر قرآن برای همه مسلمانان حجت ، و سرچشمه احکام اسلامی همین قرآن است و جای بسی تأسف است که در همین احکام منصوصه قرآن بین بعضی از فرق اسلامی اختلاف است . مانند مسأله طلاق با تمام جزئیات آن که ذکر علت اختلاف را موکول به جای دیگر و وقت دیگر می کنیم .

سنت : یعنی فرمایش رسول اکرم (ص) یا عمل یا تصویب و امضای آن حضرت کاری را مثلاً نماز به نص کتاب واجب است . پیغمبر (ص) نماز را باین ترتیب معین و مهود می خواند و حتی گاهی تصریح می فرمود همان طور که می بینید من نماز می خوانم شما هم نماز بخوانید یا اینکه زکوة واجب به نص قرآن را از اجناس معین و معدودی می گرفت و به مقدار معین و محدودی ، ما از این عمل آن حضرت می فهمیم که بر غیر آنچه پیغمبر زکوة گرفته یا بیشتر از آنچه آن حضرت گرفته است زکوة واجب نیست .

و یا اینکه مردی را فرستاد تا گوسفندی برایش بخرد گوسفند را خرید و در بین راه مشتری پیدا شد آنرا با منفعت فروخت و گوسفند دیگری برای پیغمبر خرید و آورد و منفعت را تسلیم آن حضرت کرد . این عمل را تصویب کرد و یا خرید و فروش میان مردم بهمان سبک معمولی میان آنان تصویب و خود هم رفتار می فرمود و نظیر اینها .

پژوهش سیر سنت و مطالعات فقهی

در پیش گفتار اشاره کردیم که بعد از فقدان پیغمبر (ص) مآخذ مردم در مسائل دینی بعد از کتاب خدا ، احادیث وارد بود و برخی از ناقلان حدیث مورد سوءظن واقع شده بودند و مردم دقت بیشتری در ناقلان حدیث بخرج می دادند اما شیعه که پیرو آل محمد بودند تا مدتها به امامان معصوم خود دسترسی داشتند . و از آنها اخذ حدیث می کردند . در زمان حیات و ظهور آنان از محضرشان استفاده می کردند یا از نمایندگان آنها می پرسیدند و یا با آنها مکاتبه می کردند و نیازمندیهای دینی خود را باین طریق رفع می نمودند .

تا نوبت به ولی عصر عجل الله فرجه رسید . آن حضرت در مدت ۶۹ سال مدت غیبت صغری (از ۲۶۰ تا ۲۲۹ هـ . ق) چهار نفر نایب خاص به ترتیب تعیین فرمود که یکی پس از دیگری به نیابت و سفارت خاصه قیام کردند : عثمان بن سعید عمری ، محمد بن عثمان معروف به خلانی ، شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی ، علی

بن محمد سمري .

این چهار نفر واسطه میان مردم و امام زمان بودند و علاوه بر آنها در شهرهای بزرگ شیعه نشین و کیلانی از طرف آن حضرت بودند . بعد از فوت علی بن محمد سمري که در سال ۳۲۹ واقع شد به موجب فرمان خود آن حضرت نیابت خاصه منقطع شد و دسترسی به ولی عصر به طور عادی و معمولی ممکن نبود و مردم به آسانی نمی توانستند به حضورش شرفیاب شوند و در پیش آمدها و مسائل مستقیماً از حضرتش استفاده کنند (۳) به ناچار از قرآن و احادیث وارده از پیغمبر (ص) و ائمه معصومین استفاده می کردند و اصحاب ائمه از زمان امیرالمومنین (ع) احادیث وارده را می نوشتند و امامان آنها را ترغیب به نوشتن و ضبط احادیث می کرده اند . و اول کتاب حدیثی که در اسلام نوشته شده است از شیعه بوده است (۴).

احادیث وارده را در کتابهایی می نوشتند و نام آن کتاب را اصل می نامیدند . ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی (۵) این اصول را که در حدود چهارصد اصل بوده جمع آوری و به صورت کتاب جامعی بنام کافی در آورده و مهمترین مدرک معتبر نزد شیعه کتاب کافی است .

کافی دارای سه قسمت است : اصول ، فروع ، روضه .

اصول کافی مشتمل است بر احادیث وارده در اصول دین از توحید ، عدل ، نبوت ، امامت ، معاد و تاریخ موالید و وفیات معصومین از پیغمبر (ص) و فاطمه زهرا و امامان تا امام دوازدهم و دلایل امامت آنان و احادیث اخلاقی زیادی در آداب معاشرت و طرز زندگی ، و در حقیقت تمام ابواب اخلاقی را داراست .

فروع کافی مشتمل است بر تمام احادیث فقهی از طهارت تا دیات .

روضه کافی مشتمل بر ذکر خطبه های پیغمبر (ص) و مواعظ آن حضرت به ابی ذر و ابن مسعود و

خطبه ها و نامه های ائمه انا عشر صلوات الله علیهم و پیمبران گذشته و قسمتی از تاریخ عالم و اولین مخلوق و اندکی از تعبیر خواب و نوادر دیگر ، و مجموع کافی ۱۶۰۹۹ حدیث دارد .

و مرحوم محمد بن علی بن بابویه قمی مشهور به صدوق (۶) نیز احادیث شیعه را در کتابی جمع

آوری کرده و نام آنرا من لایحضره الفقیه گذارده است که گاهی آن را من لایحضر و یا فقیه می خوانند

۳- کمال الدین صدوق .

۴- الشیعه و فنون الاسلام تألیف سید صدر .

۵- متوفای ۳۲۹ هجری و مدفون در بغداد .

۶- صدوق نیز متوفای ۳۸۱ و مدفون در ری .

می‌خوانند. بطوریکه از اسم کتاب پیداست صدوق آنرا در احادیث فقهی نوشته از طهارات تأدیبات البته احادیث اخلاقی هم دارد ولی کم و اندک. این کتاب ۹۵۴۴ حدیث دارد.

صدوق سند احادیث را حذف کرده برای اختصار و در آخر کتاب آنها را ذکر فرموده و مراسلات صدوق مورد اعتبار و اعتماد است. و محمد بن الحسن الطوسی رضوان الله علیه (۷) کتاب تهذیب و استیصار را تألیف فرموده که این دو کتاب در احادیث فقهی است و مشتمل بر تمام ابواب فقه کتاب تهذیب بالغ بر ۵۰۰۰ و استیصار نیز ۵۰۰۰ حدیث دارد (۸).

اینها را کتب اربعه نامند و مدار فقها در استنباط احکام بر این چهار کتاب بوده است البته کتاب‌های حدیث شیعه منحصر به چهار کتاب فوق نیست و کتابهای حدیث فراوان در فنون مختلف دارند و حتی هر یک از مؤلفین کتب اربعه را کتابهایی است، ولی این چهار کتاب از حیث اهمیت و اعتبار در درجه اول قرار دارد مؤلفان کتب اربعه را محمد بن ثلثه متقدم نامند.

و این کتب اربعه را مرحوم محمد محسن فیضی (۹) در کتاب پر ارج خود به نام وافی جمع‌آوری فرموده. وافی همه مطالب کتب اربعه را دارد و مرحوم فیضی تحقیقاتی در ذیل بعضی احادیث آورده است. و مرحوم شیخ محمد حر عاملی (۱۰) کتب اربعه را به علاوه احادیث دیگری جمع‌آوری و بنام وسائل الشیعه نام‌گذاری کرده است.

و علامه مجلسی (۱۱) علاوه بر کتب اربعه صدها کتاب حدیث دیگر در کتاب پر ارج خود به نام بحار الانوار جمع‌آوری فرموده. در بحار الانوار احادیث بسیاری در تمام فنون و علوم اسلامی از اصول عقاید و فقه، تاریخ و اخلاق و ادعیه و علوم طبیعی و طبی و غیره جمع‌آوری شده است و در حقیقت دائرة المعارف اسلامی شیعه به شمار می‌آید.

شیخ بهاء‌الدین (۱۲) عاملی کتب اربعه را در کتابی بنام جبل‌المتین جمع‌آوری فرموده ولی زیاد متداول نیست. حاجی میرزا حسین نوری (۱۳) احادیثی را که از نظر صاحب وسائل، فوت شده و آنها را در

۷- متوفای ۶۶۱

۸- استاد ما در شماره احادیث کتب اربعه کتاب الامام الصادق تألیف محمد ابوزهره است.

۹- متوفای ۱۰۹۱.

۱۰- متوفای ۱۱۰۴ و مدفون در مشهد، صحن عتیق.

۱۱- مجلسی متوفای در ۱۱۱۱ و مدفون در مسجد جمعه اصفهان.

۱۲- متوفای ۱۰۳۱.

۱۳- متوفای ۱۲۲۰ قمری.

وسائل ذکر نکرده است در کتاب خود بنام مستدرک الوسائل نوشته است .

و اخیراً علامه فقید آیه الله بروجردی (۱۴) کتاب نفیس و با ارزشی به همت و معاضدت و همکاری عده ای از فضلاء حوزه علمیه قم فراهم آورده اند بنام جامع احادیث الشیعه که علاوه بر احادیث کتب اربعه و وافی و مستدرک از سایر کتابهای مورد اعتماد شیعه احادیثی جمع آوری نموده و جلد اول آن مدتی است به چاپ رسیده است و گویا جلد دوم آن نیز قریباً منتشر می شود و چه بجاست که برای خدمت به عالم اسلام و تشیع و جاوید ساختن نام مرحوم بروجردی، فرزندان برومندش هر چه زودتر این کتاب را در دسترس مردم قرار دهند .

احادیث وارده در کتب اربعه* ما بسی بیشتر از احادیث وارده در کتب صحاح عامه است زیرا تنها کتاب کافی ۱۶۰۹۹ حدیث دارد و هرگاه مجموع مکورات آن را نیز به حساب نیاوریم باز هم بیشتر از ۲۵۰۰۰ می شود و تمام احادیث مورد استناد اهل سنت که محدث بزرگوار معاصر منصور علی ناصف حسینی در کتب التاج الجامع للاصول جمع آوری فرموده است ۵۵۸۷ است در صورتی که مکورات هم دارد (۱۵). البته استاد منصور احادیث پنج کتاب را در التاج جمع آوری کرده است که عبارتند از : صحیح مسلم ، صحیح بخاری ، سنن ابی داوود ، سنن ابن ماجه و مجتبی النسانی . و باینکه احادیث دیگری از کتابهای دیگر آورده ولی مسند احمد حنبل را در کتاب التاج ننگنجانده است (۱۶) .

از طرف دیگر به مرور زمان و ظهور کشورهای مختلف اسلامی و زبانهای گوناگون از ایرانی و پاکستانی و هندی و چینی و افغانی به ناچار برای فهم حقایق قرآن و احادیث وارده از پیغمبر و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین قواعدی در ادبیات عرب و اصول عقلی تدوین شد که برای شناختن اوامر و نواهی قرآن و عام و خاص و مجمل و مبین و مطلق و مقید و اقسام اوامر و واجبات و مانند اینها دانستن آن اصول لازم است .

و برای مهارت در استدلال و تسلط در مسأله تقسیم ارث و شناختن اوقات نماز و قبله ، علوم منطق و حساب و هیات فرا می گرفته اند . دسته ای از علمای شیعه تمسک به اصول فقه را نوعی از پیروی عامه و بدعت دانند و ادعا دارند که احادیث وارده از معصومین (ع) هم ظاهر قرآن را برای ما بیان می کند که حتی در فهم ظواهر قرآن باید به احادیث رجوع کنیم و هم نسبت به بیان احکام شرعیه واضح است و ما خود را بی نیازی از این اصول می دانیم . اینان را اخباری نامند و خیلی در اقلیت اند و اکثریت فقهای

۱۴- متوفای ۱۲۸۰ .

شیعه را علمای اصولی تشکیل می‌دهند .

و چون زمان آنها با زمان صدور این احادیث از پیغمبر و امامان صلوات‌الله علیهم اجمعین فاصله زیادی دارد و در میان راویان و ناقلان اشخاصی پیدا شده‌اند که به درستی گفتار آنها نتوان اطمینان کرد و شبهه اختراع و ابداع می‌رود ، بنا براین برای اطمینان به صدور احادیث و وثوق به آنها به علم درایه نیازمندیم .

علم درایه علمی‌است که از سند و متن حدیث و چگونگی فرا گرفتن و نقل آن بحث می‌کند .

علم رجال علمی‌است که در آن از احوال رجال ناقل حدیث و صفات آنها بحث می‌کند .

این حدیث که از احمد و او از علی بن احمد و او از بعضی از اصحاب و آن بعض اصحاب از ابی‌عبدالله علیه‌السلام روایت می‌کند که: فرموده دلها بالطبیعه دوست دارند کسی را که نفعی به آنها رساند و دشمن دارند کسی را که زیانی بآنها رساند . کلینی و کسانی دیگر که واسطه‌اند بین او و ابی‌عبدالله اینها را سند حدیث می‌نامند . و گفته ابی‌عبدالله علیه‌السلام متن حدیث‌است .

در علم رجال به تفصیل حالات همه آن‌هایی که در این سند واقع شدند بررسی و رسیدگی می‌شود و به

اعتبار صفات و حالات و عقاید مختلفه آنان سند حدیث به اقسامی چند تقسیم می‌گردد .

علم رجال مقدم بر درایه‌است زیرا اول باید روات حدیث را بشناسیم و بعد حکم به صحت و ضعف آن کنیم .

اقسام حدیث

متواتر آن حدیث و خبری‌است که در هر طبقه آن قدر راوی داشته باشد که عقلا احتمال قرارداد آنها بر دروغ محال باشد و نقل مستند بر حسی باشد و اگر باین درجه نرسید خبر واحد است و اگر در هر طبقه بیش از سه راوی داشته باشد خبر مستفیض است و اگر نام یکراوی یا بیشتر از آخر حدیث افتاد مرسل است . و اگر تمام سلسله سند دوازده امامی بودند و عدالت آنها مسلم بود ، صحیح است .

و اگر تمام سلسله سند دوازده امامی بودند و در کتب رجالیه ممدوح بودند ولی تصریحی به عدالت آنان نشده بود حسن است و اگر تمام سلسله امامی بودند ولی نسبت به مدح و ذم آنها علمای رجال ساکت بودند ، قوی است .

و اگر رجال سند همه عادل بودند ولی همه یا بعضی از آنها امامی نبودند موقوف است و موثق را قوی نیز گویند . و ماسوای این چهار قسم ضعیف است (۱۷)

و در تمام مسائل فقهی حدیث صحیح بر سایر اقسام آن ترجیح دارد . حدیث اقسام بسیاری دارد که ما باختصار بر گزار کردیم ولی عمده تقسیمات همین‌ها بود که ذکر شد .

۱۷- و جیزه شیخ بهاء‌الدین عاملی و شرح آن از حاجی شیخ عباس قمی ، نسخه خطی نویسنده .

گاهی ممکن است در مفاد دو حدیث اختلافی به نظر رسد، برای حل این مشکل بحثی در اصول بنام تعادل و ترجیح وجود دارد. اینها مطالبی بود در پیرامون استفاده از کتاب و سنت در تعیین و ترتیب این علوم و استفاده از آنها دلیل خاصی وارد نشده است فقط نیازمندی آنها را و ادار به کسب این علوم نموده و حال آنکه علوم دیگری هم مدخلیت در فتوی و قضاوت دارد و به واسطه کم توجهی در طریق استنباط واقع نشده است حساب و هیات و منطق جزو مقدمات اجتهاد به شمار آمده اما مقدمات جرم شناسی و اطلاع مختصری از پزشکی که برای شناختن جراحتهای مختلف لازم است و هر کدام جریبه و دبه مخصوصی دارد. وارد نشده است و به نظر من خیلی لازم و ضروری است.

دلیل عقل

در مواردی که نصی از کتاب و سنت نباشد بکار می برند و گاهی برای فهم نصوص و تطبیق نص بسر مورد عمل هم به کار می رود. این اصول با این که از احادیث هم استفاده می گردد ولی چون عقل مستقل است نسبت به دلالت خود بر مفاد این اصول آنها را ادله عقلیه نامیده اند. و مهمترین آنها چهار تا است:

برائت، احتیاط - تخییر و استصحاب.

و خلاصه آن اینست که وقتی مکلف به حکم شرعی توجه پیدا کرد یا علم قطعی به تکلیف خود پیدا می کند باید به آن عمل کند و یا علم قطعی ندارد اما گمان معتبری پیدا می کند و اگر نه علم قطعی و نه گمان معتبری برایش پیدا شد و مشکوک باقی ماند. در صورت بقای شک یا موضوع مورد شک، حالت سابقه دارد یا خیر، اگر حالت سابقه دارد استصحاب و اگر حالت سابقه ندارد و شک در اصل تکلیف است برائت و یا شک در مکلف به و امکان احتیاط. احتیاط و یا عدم امکان احتیاط تخییر را جایز می سازد و قواعد دیگر نیز هست ولی عمده اصول همین چهار تا است.

اجماع

اتفاق امت اسلامی است به طوری که مشتمل بر قول معصوم باشد آنان که مدعی حجیت اجماعند اجماعاً به خودی خود حجیت دانند یعنی اگر در مساله ای دلیلی نبود نه از قرآن و نه از حدیث فقط دلیل آن منحصر بود به فتوای همه علماء. چون ما قائلیم باین که ولی عصر زنده و قادر است که به طور ناشناس در محضر علماء حاضر گردد و اگر بخواهند حکمی را به طور اجماع بیان کنند و در حقیقت آن حکم خلاف باشد امام حاضر می گردد و آنها را ولو به عنوان ابداء خلاف از اجماع بر حکم خلاف مانع می گردد البته در اطراف اصل اجماع و امکان وقوع آن و حجیت آن، بین علماء اختلاف است.

این بود اجمالی از مآخذ فقه شیعه و ما آنچه را شیعه حجت نمی داند و بدان عمل نمی کند مانند قیاس